

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

آیا غسل و تیمم ملحق به وضو هستند یا خیر؟

عرض کردیم که قاعده تجاوز با اینکه از خود قاعده عمومیت استفاده کردیم اما این قاعده در باب وضو قطعاً جریان پیدا نمی‌کند و ادله آن را هم ذکر کردیم. یک بحثی که اینجا بین فقهاء واقع شده این است که آیا غسل و تیمم هم ملحق به وضو هستند یعنی همان طوری که قاعده تجاوز در وضو جریان ندارد در غسل و تیمم هم جریان ندارد، یا اینکه الحاقی در کار نیست. و فقط مورد استثناء خود وضو هست.

اینجا بر حسب آنچه که مرحوم صاحب جواهر فرموده این بحث در کلمات قدمات مطرح نشده و مرحوم شیخ انصاری در کتاب الطهارة تصریح کردند به اینکه مشهور متأخر المتأخرین غسل و تیمم را ملحق به باب وضو کردند.

یعنی شیخ به مشهور نسبت داده، به مشهور از متأخرین که قاعده تجاوز همانطوریکه در وضو جریان ندارد در باب غسل و تیمم هم جریان ندارد و این مسئله البته محل خلاف است. بزرگان عصر مانند امام (رضوان الله تعالی علیه) و مرحوم محقق خویی (قدس سره) و کثیری از بزرگان قائلند به اینکه غسل و تیمم ملحق به وضو نیست، قائل به الحاق نیستند و در نتیجه اگر در غسل کسی مشغول شستن طرف راست خودش هست شک کند که سر و گردن را شست یا نه؟ اینجا قاعده تجاوز جاری می‌شود.

در تیمم هم اگر از یک جزئی وارد جزء دیگر شد و شک کرد اینجا با تیمم جاری می‌شود. فقط کسانی مثل مرحوم آقاي خویی که در باب غسل ترتیب بین طرف یمین و طرف یسار را لازم نمی‌داند نظر بعضی از فقها این است که در غسل بین سرو گردن و بین قسمت‌های دیگر باید ترتیب باشد اول باید سروگردن شسته شود بعد قسمت‌های دیگر بدن، اما بین طرف یمین و طرف یسار ترتیب قائل نیستند، آنهایی که مثل امام ترتیب قائلند باز اگر کسی در هنگام شستن طرف یسار شک کند که طرف یمین را شست یا نه؟ باز قاعده تجاوز را جاری می‌کنند.

اما کسانی مثل مرحوم آقاي خویی که قائل به این است که بین یمین و یسار ترتیبی وجود ندارد اینجا دیگر در همین قسمت، قاعده تجاوز جاری نمی‌شود یعنی اگر کسی مشغول شستن طرف یسار هست و شک کرد که یمین را شسته یا نه؟ باز باید اعاده کند یمین را هم مجدداً بشوید. چون ترتیب بین اینها وجود ندارد وقتی که ترتیب وجود نداشت هنوز محل باقی است و وقتی هنوز محل باقی است باید به شک خود ترتیب اثر بدهد. این از نظر اقوال در مسأله. حالا ببینیم که دلیل چه اقتضایی دارد. در باب وضو اجماع داشتیم بر اینکه قاعده تجاوز، در وضو جریان ندارد. این یک.

صحیحه زرارۀ - صحیحه زرارہ‌ای کہ گفتیم با موثقہ ابن ابی یغفور تعارض دارد - صحیحه زرارۀ ہم دلالت خوبی داشت بر اینکہ قاعدہ تجاوز در باب وضوء جریان ندارد. در این کہ اجماع و صحیحه زرارۀ اختصاص بہ باب وضو دارد تردیدی نیست. مورد اجماع و صحیحه زرارۀ عدم جریان قاعدہ تجاوز در باب وضو هست. ما باشیم و این دو دلیل می‌گوییم وجهی برای الحاق وجود ندارد، نمی‌توانیم از صحیحه زرارہ کہ می‌گفت مادامی کہ مشغول بہ وضو هستی و نمی‌دانی کہ آیا غسلت زراعیہ أم لا؟ اینجا باید اعادہ کنی.

در تعبدیات الغاء خصوصیت بسیار مشکل است نمی‌توانیم الان بگوییم اگر شارع در باب وضو قاعدہ تجاوز را جاری نکرد ما از همین روایت زرارہ الغاء خصوصیت کنیم و بگوییم کہ غسل ہم همینطور است، تیمم ہم همین طور است. وجهی برای الغاء خصوصیت نداریم لذا ما باشیم و این دو دلیل - اجماع و صحیحه زرارۀ - اینجا دیگر وجهی برای الحاق نیست.

پس ما باشیم و این دو دلیل بہ این نتیجہ می‌رسیم کہ غسل و تیمم ملحق بہ وضو نیست و قاعدہ تجاوز در اینها جریان دارد. اما دو دلیل دیگر ذکر شدہ کہ یک دلیل اختصاص بہ تیمم دارد. و یک دلیل ہم شامل تیمم می‌شود ہم شامل وضو. کہ با این دو تا دلیل نظریہ و فتوایی کہ بہ مشہور نسبت دادہ شدہ، این را بر یک وجہ فنی تخریج کنیم.

دلیل در تیمم

اما در تیمم می‌گوییم تیمم بدل از وضو هست، تیمم یک عنوان استقلالی ندارد، عنوان بدلیت را دارد. آن وقت بدلیت این اقتضاء را داشته باشد کہ همانطوری کہ در مبدل منہ قاعدہ تجاوز جریان ندارد بگوییم در تیمم ہم جریان ندارد، می‌گوییم تیمم بدل عن الوضو. حالا کہ در وضو جریان نداشت، بگوییم در تیمم ہم قاعدہ تجاوز جریان ندارد. این بیان دو تا اشکال دارد.

اشکال اول

اشکال اول این است کہ چرا بدلیت یک چنین اقتضایی را داشته باشد. ما یک وجہ روشن برای اینکہ بگوییم، چون تیمم بدل از وضو هست پس تمام احکامی کہ وضو دارد باید تیمم ہم داشته باشد ما وجهی نداریم، این بدلیت فقط در یک جهت است همانطوری کہ وضو **مبیح للدخول فی الصلاة**، تیمم ہم برای ما این اباحہ را می‌آورد. در همین مقدار عنوان بدلیت را دارد و لذا ممکن است یکی بیاید بگوید کہ یک چیزی مبطل وضو باشد مبطل تیمم نباشد، یا مبطل تیمم باشد مبطل وضو نباشد احکامش ہم یک مقداری با ہمدیگر اختلاف دارد. پس اشکال اول این است کہ خود بدلیت فقط در یک جهت است و آن ہم در اباحہ برای دخول در صلاۃ است.

اشکال دوم

اشکال دوم این است کہ در میان اقوال بعضی‌ها احتمال داند کہ قاعدہ تجاوز در غسل جریان دارد اما در تیمم جریان ندارد. بعضی‌ها این را بعنوان یک احتمال ذکر کردہ‌اند گفتند بگوییم تیمم مانند وضو هست، در تیمم قاعدہ تجاوز جریان ندارد اما در غسل قاعدہ تجاوز جریان دارد. روی این نظریہ می‌گوییم در تیمم بدل از وضو اگر گفتید چون بدل از وضو هست می‌گویید تجاوز جریان ندارد.

در تیمم بدل از غسل چه می‌گویید؟ نمی‌توانید تفکیک قائل بشوید بگوید تیمم یک فعلی هست که اگر بدل از وضو باشد در آن قاعده تجاوز جریان ندارد، اگر بدل از غسل باشد قاعده تجاوز جریان دارد. کسی نمی‌تواند ملتزم به این بشود تیمم یک عملی است یا در همه موارد آن، قاعده تجاوز جریان دارد یا در هیچ مورد آن قاعده تجاوز جریان ندارد. اما آن دلیلی که عمومیت دارد دلیلی است که مرحوم شیخ (اعلی الله مقامه الشریف) به آن دلیل استدلال فرمودند.

استدلال مرحوم شیخ

مرحوم شیخ برای اینکه اثبات کنند قاعده تجاوز در وضو یعنی در اجزاء وضو جریان ندارد. فرمودند شارع وضو را تماماً به عنوان یک فعل واحد در نظر گرفته است. شارع در وضو برخلاف صلاة اجزاء را برش لحاظ استقلالی نکرده. همه‌ی وضو را بعنوان یک شیء واحد در نظر گرفته. چرا؟ فرمود برای اینکه وضو دارای یک اثر واحد است بنام طهارت و اگر اثر واحد شد، مسبب هم باید واحد باشد و اگر مسبب واحد شد، سبب هم باید واحد باشد لذا از این راه فرمودند شارع برای اجزاء وضو لحاظ استقلالی نکرده است و یک شیء واحد در نظر گرفته است.

همین حرف را در باب غسل و تیمم هم ذکر کنیم، بگوییم غسل یک اثر دارد بنام طهارت و تیمم یک اثر دارد بنام طهارت. در نتیجه شارع **اجزاء الغسل** را به عنوان یک اجزاء مستقل در نظر نمی‌گیرد. اجزاء تیمم را تماماً بعنوان اینکه یک شیء واحد هست در نظر می‌گیرد. اگر این چنین شد دیگر نمی‌توانیم در غسل بگوییم اگر از جزئی به جزء دیگر داخل شدی و شک کردی و نمی‌توانیم در تیمم بگوییم اگر از جزئی به جزء دیگر داخل شدی و شک کردی. این بیان شیخ.

اشکال اول مرحوم آقای خویی به بیان مرحوم شیخ

مرحوم آقای خویی (قدس سره) در کتاب مصباح الاصول در ج3، ص289، این نظریه شیخ را بیان کردند و بر این نظریه دو اشکال ذکر کردند. اشکال اول فرمودند ظاهر آیات و روایات این است که در خود وضو هم آن چه که متعلق تکلیف است همین غسلات و مسحات است **فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ** مأموریه خود این غسلات و مسحات است مأموریه آن طهارت که اثر اینها باشد نیست. این اشکال اول ایشان.

تبیین نظر مرحوم خویی و شیخ

اینجا نکته‌ای وجود دارد و بعضی از تلامذه مرحوم آقای خویی هم به این تصریح کردند فرمودند تعجب این است که ایشان اصلاً نظریه شیخ را در اینجا درست بیان نکرده و روی بیان غیر صحیح از نظریه شیخ بعضی از اشکالات این چنینی هم ذکر شده. بیانی که مرحوم آقای خویی از کلام شیخ دارند، فرموده شیخ قائل است به اینکه در باب وضو آنچه که مأموریه هست این وضوی خارجی غسلات و مسحات نیست. آنچه که مأمور به هست طهارت است و این غسلات و مسحات مقدمه برای اصول آن طهارت است و طهارت یک امر بسیطی است قاعده تجاوز جاری نمی‌شود.

برای اینکه وقتی می‌گوییم این غسلات و مسحات مقدمه اصول آن طهارت هستند. وقتی که اینها را عنوان مقدمه برای حصول آن طهارت قرار دادیم نتیجه این می‌شود که مأموریه طهارت است اگر در این غسلات و مسحات ما شک کردیم عنوان شک در

محصل را پیدا می‌کند و در شک در محصل جای احتیاط است. هر جا ما شک می‌کنیم که اینجا شک در محصل هست یا نه؟ باید احتیاط کرد. این بیانی است که ایشان بعنوان بیان شیخ نقل می‌کند. در حالی که اصلاً مرحوم شیخ (اگر عبارات شیخ را ببینید) هیچ بحث از اینکه مأموریه این غسلات است یا مأموریه آن طهارت است، طهارت بسیط است، شک در این غسلات می‌شود شک در محصل، اینها نیست.

شیخ برای اینکه بیان بکند تمام اجزاء این وضو را شارع به عنوان یک چیز در نظر گرفته می‌فرماید، ما می‌گوییم این ولو به حسب ظاهر مرکب است اما شارع برای این مرکب یک وحدت اعتباری قائل است و ما این وحدت اعتباری را از وحدت اثر می‌فهمیم. اصلاً بحثی نکرده که آیا این غسلات را بگوییم مأموریه است یا آن اثر. بگوییم این غسلات مقدمه است برای آن مأموریه یا خودش عنوان مأموریه را دارد. بنابراین، این اشکال اول ایشان است. ایشان در اشکال اول شیخ می‌فرماید که آیه می‌گوید **فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ** خود شیخ هم می‌داند این را شیخ می‌فرماید این **فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ** و لو وضو به حسب ظاهر عنوان مرکب است و دارای اجزاء است، اما شارع این مرکب را از اول تا آخرش را یک چیز فرض کرده و تمامش را به منزله یک جزء می‌داند، نه بمنزله اجزاء متعدده. بنابراین این جواب ملاحظه فرمودید که جواب درستی نیست و ناشی از تفسیر غیر صحیحی است که برای کلام مرحوم شیخ شده. این اشکال اولی که ایشان فرموده بودند.

بعد در اشکال دوم فرمودند که، بر فرضی که مأموریه طهارت باشد و این غسلات و مسحات مقدمه‌ای بر او باشد - این که اگر ما شک در مقدماتی کردیم قاعده تجاوز جریان ندارد - در مقدمات عقلیه خارجیّه است. فرمودند مثل قتل، یک مقدماتی دارد خود قتل یک امر بسیطی است اگر مقدمات عقلیه خارجیّه دارد، اینجا اگر ما در آن مقدمات شک کردیم قاعده تجاوز جاری نمی‌شود. اما در ما نحن فیه ولو اینکه بگوییم طهارت مأموریه است و این غسلات و مسحات مقدمه‌ای برای او هست، اما این یک مقدمات شرعی است، یک اجزاء عقلی نیست، یک اجزاء شرعیّه است. در اجزاء شرعیّه ما به راحتی می‌توانیم قاعده تجاوز را جاری کنیم. این جواب دوم ایشان.

در این جواب دوم - که ایشان می‌فرمایند ما اگر آمدیم مأموریه را مثل نظر شما شیخ قبول کردیم، همان طهارت است. اما در اجزاء عقلی خارجی، قاعده تجاوز جریان ندارد، در اجزاء شرعی و در مقدمات شرعی ما می‌توانیم قاعده تجاوز را جاری بکنیم. - این بیان مبتنی است بر اینکه ما قاعده تجاوز را یک امر تعبیدی محض بدانیم. بگوییم یکی از فرقهای بین قاعده تجاوز و قاعده فراغ، این است که قاعده فراغ یک امر عقلایی هم هست، عقلاً می‌گویند وقتی که کار را تمام کردی اگر بعد از تمام شدن کار شک کردی در اینکه آیا درست انجام دادی یا نه؟ قاعده فراغ جاری می‌شود.

بگوییم قاعده تجاوز یک قاعده تعبیدی محض است. اما اگر کسی گفت قاعده فراغ و تجاوز یک قاعده است و روح هر دو به یک عنوان عدم اعتناء به شک بعد از تجاوز بر می‌گردد و این عنوان یک عنوان عقلایی است - مثل امام (رضوان الله علیه)، مرحوم محقق بجنوردی در قواعد فقهیه - اینها دیگر نمی‌توانند بین مقدمات شرعی و مقدمات عقلی فرقی بگذارند. این فرق در صورتی درست است که ما اینها را دو تا قاعده بدانیم و بگوییم قاعده تجاوز یک قاعده شرعی و تعبیدی محض است. اینهم یک تعلیقی که ما بر اشکال دوم ایشان داریم اما اساساً عرض کردیم که اصلاً تفصیلی که ایشان از کلمات شیخ دارند این تفسیر درست نیست.

ما قبلاً بر این فرمایش شیخ اشکالات مرحوم محقق عراقی را ذکر کردیم و پذیرفتیم. و بنابراین دیگر نیازی هم به تکرار ندارد، این استدلال شیخ را قبلاً ابطال کردیم. گفتیم اصلاً این استدلال در باب وضو نمی‌آید تا چه برسد به اینکه بخواهد در باب غسل و تیمم جریان پیدا کند.

نتیجه

نتیجه‌ای که اینجا می‌گیریم این است که هیچ دلیلی برای الحاق غسل و تیمم به وضو از نظر عدم جریان قاعده تجاوز نداریم. قاعده تجاوز در همه ابواب فقه جریان دارد. فقط تنها موردی که ما دلیل بر استثناء وجود داریم خود وضو هست. اینجا امام(رضوان الله علیه) در بحث قاعده تجاوز وقتی که این نظریه را پیدا کردند فرمودند از بعضی از روایات استفاده می‌شود که قاعده تجاوز در غسل جریان دارد.

کدام روایت همان صحیح زراره که گفتیم با موثق ابن ابی یغفور بینشان تعارض است آن صحیح زراره یک روایت مفصلي است که وقت نیست همه آن را بخوانم، بعد از اینکه امام احکامی را بیان فرمودند زراره به امام عرض می‌کند که **رجل ترک بعض زراعه او بعض جسده في غسل الجنابة** یک کسی است که غسلش تمام شده و آب به بعضی از زراعتش را یا بعضی از بدنش نرسیده و شسته نشده، امام(علیه السلام) بر حسب این روایت در مقام جواب شروع فرمودند همه احکامش را با تفصیل موارد ذکر کردند. تا می‌رسد به این عبارت و **ان دخلت الشک و قد دخلت في حال اخري** اگر شک کرد در حالی که در حال دیگر داخل شده، **فلیمض في صلاته و لاشي عليك**.

امام(رضوان الله علیه) در **فان دخله الشک و قد دخلت في حال اخري فلیمض في صلاته** فرمودند که ظاهر **فان دخله الشک** این است که حتی اگر قبل از صلا در حالی که مشغول به غسل جنابت هست از یک جزئی به جزء دیگرش هم داخل شد و **دخله الشک فلیمض** مانعی ندارد و نمازش را انجام بدهد.

باز فرمودند که در همین صحیح زراره یک عبارت دیگری هم هست که از آن هم می‌شود استفاده کنیم که شک بعد از تجاوز در غسل جنابت اعتباری ندارد. (یک عبارتی، قبل از این عبارت است به کتاب خود ایشان مراجعه کنید). علی ای حال خواستیم این را هم عرض کنیم به عنوان مؤید این معنا که قاعده تجاوز در باب غسل و در باب تیمم هم جریان دارد و **الله العالم**.